



یادداشت

"معیشت" در ذات خود سیاسی ترین مطالبه سیاسی روز است

صادق کار



در ۱۸ آذر ۵ هزار کارگر شرکت‌های نفتی در عسلویه پس از انجام چندین اعتراض بی نتیجه پراکنده بطور دسته جمعی در صفی فشرده چون پیکری واحد یک راهپیمایی بزرگ و بی سابقه در سالهای بعد از انقلاب را به انجام رساندند.

علاوه بر فشار روزافزون معیشتی و سختتر شدن مرتب شرایط کاری، کارگران به مانند سایر مردم از مجموعه وضعیت کشور عصابی و خشمگین هستند.

این خشم و عصبانیت هنگامی حالت طغیان به خود می گیرد، که طبقه کارگر میبندد در حالیکه همه ی قوانین به ضرر آنان تغییر می کند گوش شنوایی برای شنیدن مطالبات شان حتی در زمانی که کارد به استخوان شان رسیده در حکومت وجود ندارند. هر چه هم اعتراض می کنند و فریاد بر می آورند روی حکومت اثر بخش نیست.

حق تشکل هم که از حقوق طبقه کارگر حمایت کند وجود ندارد. نهادهایی مانند وزارت کار نیز جانبدار صاحبان قدرت و سرمایه هستند و به شکایات کارگران رسیدگی نمی کنند.

در چنین حال و هوایی کارگران هیچ راهی به غیر از اعتصاب و اعتراض خیابانی پیش روی نمی بینند. شعار عمومی شده و هوشیارانه ، "فقط کف خیابان به دست می آید حق ما" انعکاس این وضعیت جهنمی است.

اعتراضات مستمر و رادیکالتر و متحدانه ترمی شوند

از سوی دیگر می بینیم اعتراضات گسترده است و محدود به کارگران پیمانی و رسمی نیست. به جرات می شود گفت نارضایتی همه ی کارگران و کارکنان دولت را نیز شامل می شود. آثار این نارضایتی و خشم در حضور کارکنان وزارت کشاورزی، برق در تجمع ۱۹ آذر کارگران پیمانی و اعتراض کارکنان بهزیستی که همزمان با کارگران نفت مقابل مجلس آمده بودند نیز به راحتی قابل تشخیص بود و از آمادگی مزدگیران برای پیوستن به هم حکایت دارد. اینکه کارگران یک صنعت و رشته دیگر و مهمتر از آن کارکنان وزارت کشاورزی د تظاهرات کارگران نفت شرکت می کنند یک تحول خوشایند تازه است.

حلقه اتصال اعتراضات مسئله بدی معیشت و سیاست های فقیر سازی حکومت است.

در واقع تفاوت فاحشی میان دسمزد و حقوق کارمندان معمولی با کارگران وجود ندارد. به تبع آن قدرت خرید و سطح رفاه آنان نیز با هم فاصله ندارد. دولت از افزایش حقوق کارکنان خود همانقدر امتناع می کند که با



افزایش دستمزد کارگران می کند. به عبارتی سیاستهای حکومت همه ی مزدبگیران را کم و بیش به یک اندازه فقیر و سفره‌های آنان را تهی می کند.

اعلام فقط ۲۰ درصد به حقوق کارمندان در شرایط تورم ۵۰ درصد به بالا که قطعا به فقیرتر شدن کارمندان منتهی خواهد شد به نوبه خود در افزایش اعتراضات نقش بسیاری دارد و به تقویت همبستگی میان کارگران و کارمندان یاری خواهد رساند.

شعار معیشت که در خواست افزایش دستمزد مطرح می شود تنها یک مطالبه صنفی نیست، بلکه می شود گفت مطالبه‌ای سیاسی هم هست که از ظرفیت بسیج گرایانه بالایی برخوردار است. حتی اگر برای اعتراضات موجود تنها نقش صنفی قائل باشیم، اما از آنجا که دادن پاسخ مثبت به آن نیازمند تغییرات اساسی سیاسی داخلی و خارجی است، می شود گفت "معیشت" در ذات خود سیاسی ترین مطالبه سیاسی در حال حاضر است. هم از این روست که در تحولات سیاسی خواه نا خواه اثر می کند و مزدبگیران درگیر مسائل سیاسی می کند که خود این از لحاظ بسیاری در نتیجه روندهای سیاسی اثر می گذارد.

حضور خانواده ها در اعتراضات

حضور خانواده های کارگران و سایر زحمتکشان خود از نشانه های رادیکالیزه و طبقاتی تر شدن اعتراضات و بیانگر یک موقعیت جدید است که هم می تواند مانع بر سر راه برخورد نیروهای امنیتی با معترضان ایجاد کند و هم به اجتماعی تر شدن اعتراضات کمک نماید.

نقش اعتراضات در نزدیک کردن مردم با هم

گسترش اعتراضات می تواند به مسری شدن آن در میان گروه های اجتماعی خاصه فقیرترها پی انجامد و به نزدیکی بیشتر آنها که برای مبارزه با رژیم و تحولات سیاسی اهمیت اساسی دارد منجر شود.

گسترده‌گی فعلی برای تغییرات اساسی کافی نیست

با این همه گسترده‌گی اعتراضات در اندازه موجود برای رسیدن کارگران و مردم به مطالبات شان هنوز همچنان که در هنگام تظاهرات ۱۹ آذر دیدیم به رغم نارضایتی و خشم عمومی از رژیم و گرانی و تورم همه روزه، هنوز این آمادگی وجود ندارد. اما آمادگی برای پیوستن مزدبگیران به اعتراضات کم نیست. در واقع اگر این پیوستگی و همبستگی عملی شود، شرایط هم برای اعتصاب عمومی و تظاهرات سراسری مهیا شده است.

چهار سال است که مجلس و دولت تن به خواسته اصلی کارگران پیمایی نداده‌اند و همچنان از انجام مطالبه اصلی کارگران طفره خواهند رفت. فهم این قضیه نیز دشوار نیست. وجود کار پیمانی برای پیمانکارها به معنی سود دویله و بلکه بیشتر است و بخصوص زمانی که مالکیت شرکتهای پیمانکاری در اختیار اعوان و انصار حکومت است و چنان منافع اقتصادی و سیاسی آنان در هم تنیده شده‌اند که تفکیک آنها از هم میسر نیست، محال است آنها بدون حداکثر فشار سازمان یافته تن به این خواست کارگران بدهند. بنا بر این برای درهم شکستن این مقاومت حکومتی باید با گسترش اعتصاب و اعتراض و سازماندهی و جذب گروه های اجتماعی تحت ستم مسیر اعتصاب عمومی را هموار کرد.

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و علیه افزایش تورم حمایت کنیم!



فقر: علل و چاره های آن بخش هشتم

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی



۴. ریشه کنی فقر

راه حل های ممکن برای غلبه بر فقر طبعاً به عواملی بستگی دارند که آن را ایجاد کرده اند. این عوامل می توانند در زمانها و مکانهای مختلف تغییر کنند یا متفاوت باشند. حل فقر آسان نیست و تاریخ طولانی اقدامات ضد فقر اغلب با شکست همراه بوده است، اما اقدام موفق در کاهش فقر می تواند تعداد زیاد افرادی را که هنوز در فقر زندگی می کنند کاهش دهد. کدام اقدامات؟

۴.۱. جلوگیری از فساد

تقویت ستون شفافیت در دموکراسی

یکی از عناصر مهم دموکراسی، شفافیت است. هنلون (Hanlon) و پتیفور (Pettifor) چند روش را برای مقابله با فساد با هدف ارتقای روندهای دموکراتیک و شفاف میان کشورهای کمک کننده و وام دهنده پیشنهاد داده اند، از جمله:

- بازگرداندن عدالت، به گونه ای که وام دهندگان بین المللی دیگر در دادگاه مالی بین المللی خود همزمان نقش خواهان، قاضی و هیئت منصفه را ایفا نکنند؛
- ایجاد انضباط در فعالیتهای وام دهی و وام گیری دولتها برای جلوگیری از بحرانهای آینده؛
- ایجاد سازوکارهای پاسخگویی برای مقابله با فساد در فعالیتهای وام دهی و وام گیری برای هر دو کشور وام دهنده و وام گیرنده؛
- تقویت نهادهای دموکراتیک محلی و توانمندسازی آنها برای تصمیمگیری و تأثیرگذاری بر سیاستها و مقررات نامناسب؛
- تشویق شهروندان به افزایش درک و سواد اقتصادی برای به چالش کشیدن و اظهار نارضایتی نسبت به مسئولان خطا کار.

بهبود شفافیت بودجه دولت

یک دولت مورد اعتماد احتمالاً به تقویت توسعه سیاسی و اقتصادی مثبت در کشور مفروض منجر می شود. "مشارکت بین المللی ناظر بر بودجه (International Budget Partnership) سازمانی است که بودجه های



عمومی دولتها در سراسر جهان را بررسی می‌کند. گزارشهای این سازمان هر دو سال یکبار منتشر می‌شوند. شفافیت و پاسخگویی در فرآیند بودجه ریزی کشورهای مختلف ارزیابی و رتبه بندی می‌شود. اهمیت شفافیت بودجه عبارت است از:

- شفاف سازی بودجه با ایجاد سازوکارهای کنترل و توازن می‌تواند اعتبار تصمیمات سیاستی را افزایش دهد. این کار از فساد و هزینه کردهای بیهوده جلوگیری می‌کند؛
- شفافیت بودجه برای بسیاری از مباحث توسعه بین المللی اهمیت دارد؛ از جمله تأمین مالی مقابله با تغییرات اقلیمی، اهداف توسعه هزاره، حسابرسی درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و کمکهای بین المللی به کشورهای در حال توسعه.

آگاهی عمومی

در هند، چند پرونده فساد بزرگ - از جمله اعطای غیرقانونی قراردادهای بازیهای کشورهای مشترک المنافع 2010 - در رسانه های متعدد بازتاب گسترده ای یافتند. این نوع اطلاعرسانی باعث شده مردم نسبت به اقدامات دولت حساس و انتقادی تر شوند. یک جنبش قدرتمند ضد فساد نیز شکل گرفته و چهره‌هایی مانند آنا هازاره توجه بسیاری را جلب کرده اند. هازاره برای مبارزه با فساد تهدید به اعتصاب غذا تا مرگ کرد. نافرمانی مدنی بدون خشونت او گروه عظیمی از پیروان را به دور او گرد آورده است.

نپال نیز در مقابله با فساد شاهد تظاهرات گسترده‌ای بوده است، که از اعتراضات هازاره در هند الهام گرفته اند. مردم از گروه های مختلف اجتماعی اعتصابهای عمومی علیه فساد برگزار کرده اند و دولت را برای اصلاحات پس از دوران سلطنت تحت فشار قرار داده اند. در کشورهای آفریقایی نیز سازمانهای مردمی گرد هم آمده اند تا به ایجاد پناهگاه های مالیاتی خارجی توسط دولت‌های آفریقایی اعتراض کنند. پناهگاه‌های مالیاتی به عنوان ابزاری برای پنهان کردن فساد و تضعیف دموکراسی ارزیابی می‌شوند.

با الهام از افزایش اعتراضات در اسپانیا پس از بحران مالی جهانی 2008، در برزیل نیز بسیاری از جنبشها با استفاده از شبکه های اجتماعی و فناوری، اقدامات ضد فساد را گسترش داده اند؛ زیرا رسانه های اصلی برای بیشتر شهروندان قابل دسترسی نیستند

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

**تاوان جنگ و تحریم های اقتصادی را مردم می پردازند، ما مخالف جنگ و
تحریمهای اقتصادی فقرآور هستیم!**



ندای رهایی: نبرد طبقاتی کارگران پیمانی و ارکان ثالث برای برچیدن نظام واسطه‌ها

پژیا نایب



جنبش گسترده‌ی نیروی کار پیمانی و شرکتی در ایران، به‌ویژه کارگران ارکان ثالث، بار دیگر با سازماندهی بی‌سابقه و آگاهی طبقاتی فزاینده در برابر ساختار استثمارگر شرکت‌های پیمانکاری قد علم کرده است. این مبارزه، که ریشه در سیاست‌های چنددهه‌ساله‌ی ضدکارگری و نئولیبرالیستی جمهوری اسلامی دارد، تلاشی تاریخی است برای دستیابی به امنیت شغلی پایدار، حقوق برابر و احیای کرامت انسانی که توسط نظام واسطه‌ها و حکومت لگدمال شده است.

کارگران صنایع استراتژیک نفت و گاز، پتروشیمی، و دیگر بخش‌های حیاتی، با آگاهی کامل از اینکه معیشت، هویت و کرامت‌شان مستقیماً در گرو حذف کامل واسطه‌هاست، آشکارا اعلام کرده‌اند که راه رهایی، حذف کامل پیمانکار و استقرار قرارداد مستقیم با کارفرمایان اصلی است. این نبرد، نه فقط یک مطالبه‌ی صنفی، بلکه قلب تپنده‌ی یک رویارویی طبقاتی بخشی از طبقه کارگر برای تعیین سرنوشت کل نیروی کار کشور است.

زمینه‌ی استثمار ساختاری و نقش مخرب شرکت‌های پیمانکاری

رشد بی‌وقفه‌ی شرکت‌های پیمانکاری از دهه‌ی هفتاد شمسی، نتیجه‌ی مستقیم و برنامه‌ریزی‌شده‌ی اجرای سیاست‌های موسوم به نئولیبرالی و «کوچک‌سازی دولت» با هدف خصوصی‌سازی بود. حاکمیت، با دور زدن و لغو قوانین حمایتی کار و کاهش مسئولیت‌های اجتماعی، این شرکت‌ها را به ابزار اصلی حداکثرسازی سود و استثمار لجام‌گسیخته‌ی نیروی کار تبدیل کرد.

ساختاری تبعیض‌آمیز پدید آمد که در آن کارگران پیمانی و ارکان ثالث، با وجود انجام کارهای اصلی، دائمی و تخصصی در صنایع استراتژیک کشور، از پایه‌ای‌ترین حقوق محروم ماندند. این محرومیت‌ها شامل موارد زیر است که شکافی عمیق در میان لایحه‌هایی از طبقه کارگر ایجاد کرده است:

- دستمزدهای پایین‌تر: در مقایسه با همکاران رسمی که دقیقاً در همان موقعیت شغلی کار می‌کنند.
- نبود مزایا و بیمه‌ی کامل: محرومیت از مزایایی چون حق مسکن مکفی، پاداش‌ها، و بیمه‌های تکمیلی اثربخش
- فقدان امنیت شغلی: قراردادهای موقت و یک‌ماهه که کارگر را در موضع ضعف دائم در برابر اخراج قرار می‌دهد.



- سلب حق سازمان‌یابی مستقل: ممنوعیت تشکیل‌یابی مستقل کارگری به دلیل ماهیت موقت و واسطه‌ای اشتغال

این وضعیت، نه یک نقص فنی، بلکه بنیان سیاست‌های اقتصادی کلان حکومت برای تضمین دسترسی به نیروی کار ارزان، فاقد قدرت چانه‌زنی و بی‌حقوق است. پیمانکاران، در این میان، تنها حلقه‌ای برای انتقال سود بادآورده بیشتر به بالادست و توزیع ناامنی شغلی در میان کارگران هستند.

خیزش سازمان‌یافته: از اعتصابات استراتژیک تا فریب وعده‌های توخالی

اعتصابات سراسری تاریخی ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، به‌ویژه در مناطق حیاتی صنعت نفت و گاز جنوب، نقطه‌ی عطفی تعیین‌کننده در مبارزات کارگری ایران بود. کارگران پروژه‌ای و پیمانی، با سازماندهی گسترده، شبکه‌سازی مستقل و آگاهی طبقاتی منسجم که محصول تجربه‌ی سال‌ها استثمار مضاعف توأم با سرکوب بود، اعتصابی هماهنگ و سراسری را پیش بردند.

در این خیزش، مطالبه‌ی محوری به‌طور رادیکال تغییر کرد: دیگر صرفاً افزایش دستمزد در اولویت نبود، بلکه برچیدن کامل شرکت‌های پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم با کارفرمای اصلی (وزارتخانه‌ها و شرکت‌های مادر) به مطالبه‌ی اصلی تبدیل شد. این اقدام نشان داد که کارگران ریشه‌ی بی‌حقوقی خود را به‌درستی تشخیص داده‌اند. اعتصابات ۱۴۰۰، به‌ویژه با تعطیلی پروژه‌های مهم، قدرت نیروی کار متمرکز را به سیستم سیاسی و اقتصادی تحمیل کرد.

در واکنش به این فشار بی‌سابقه، مجلس با طرحی موسوم به «ساماندهی استخدام کارکنان دولت» تلاش کرد تا خشم و پتانسیل اعتراضی کارگران را مدیریت کند. با این حال، این طرح، که امیدهای زیادی را ایجاد کرده بود، در کشمکش بی‌پایان میان مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، به ایزاری برای وقت‌کشی، فرسایش و خنثی‌سازی انرژی مبارزه تبدیل شد. نتیجه روشن بود: هیچ گام واقعی و قاطعی به‌سوی حذف واسطه‌ها برداشته نشد و کارگران همچنان در بلاتکلیفی و ناامنی شغلی باقی ماندند. این روند به‌طور واضح نشان داد که منافع ساختاری حاکمیت و لایه‌های ذی‌نفع مرتبط با قدرت، به‌شکلی حیاتی، در تداوم نظام پیمانکاری گره خورده است.

بازگشت به میدان عمل: ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴، آغاز مرحله‌ی نوین مبارزه

در برابر این تعلل عامدانه و مقاومت ساختاری، کارگران شرکتی و ارکان ثالث، با آگاهی از بیهودگی انتظار برای اصلاح از بالا، مسیر مبارزه را به‌طور مؤثر به میدان عمل و تجمعات سراسری بازگرداندند.

فراخوان‌های سراسری اخیر، به‌ویژه تجمعات پرتعداد مقابل ساختمان مجلس در تهران، با شعار محوری «وقت اقدام است» و مطالبه‌ی اجرای بی‌کم‌وکاست و فوری طرح ساماندهی و حذف پیمانکار، نشانه‌ی سازماندهی جدید، عمیق‌تر و بسیار هوشمندانه‌تر است که از تجربه‌ی تلخ سال‌های گذشته نیرو گرفته است. پیام روشن و بی‌تأخیر تجمعات این بوده است: تا تحقق کامل و بدون قید و شرط مطالبات (حذف واسطه و قرارداد مستقیم)، میدان را ترک نخواهیم کرد. این مسیر، آغاز مرحله‌ای تازه از مبارزه‌ی جمعی



کارگران علیه استثمار نهادینه و بی‌حقوقی ساختاری در سراسر کشور است که نشان‌دهنده رشد بلوغ در جنبش کارگری است.

راه پیشروی و نفی کامل واسطه‌ها: اتحاد طبقاتی، شرط پیروزی

نبرد برای برچیدن نظام پیمانکاری، نباید یک مطالبه‌ی صنفی ایزوله تلقی شود، بلکه یک مبارزه‌ی حیاتی و بنیادین برای کل طبقه کارگر ایران است. شرکت‌های پیمانکاری ابزار اصلی حاکمیت برای:

- شکستن اتحاد طبقاتی: با ایجاد تفاوت در حقوق و مزایا میان کارگران همکار.
- تحمیل بی‌حقوقی: با سلب قدرت چانه‌زنی و تشکلیابی.
- تقسیم کارگران: به لایه‌های رسمی، پیمانی، و ارکان ثالث.

کارگران ارکان ثالث، که شکاف طبقاتی و ستم سیستماتیک را در حادث‌ترین شکل آن لمس می‌کنند، در قلب تپنده‌ی این مبارزه قرار دارند و پرچمدار رهایی کل طبقه از استثمار هستند.

اهداف اساسی و غیرقابل عقب‌نشینی برای پیروزی چنین‌اند:

- حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری: بدون پذیرش هیچ‌گونه جایگزین یا عقب‌نشینی در محتوای طرح ساماندهی.
- انعقاد قرارداد مستقیم و دائم: برای تضمین امنیت شغلی و برابری کامل حقوق و مزایا با نیروهای رسمی.
- تشکلیابی مستقل و رادیکال کارگری: به‌عنوان تنها ابزار دفاع جمعی و حفظ دستاوردهای مبارزه طبقاتی.

این مبارزه، رویارویی با فساد ساختاری، سیاست‌های ضد‌مردمی و منافع قدرتمند سرمایه است. پیروزی در این نبرد، تنها رهایی کارگران پیمانی و ارکان ثالث را تضمین نمی‌کند، بلکه گامی اساسی و استوار برای رهایی کل طبقه کارگر از سلطه‌ی سرمایه و دولت طبقاتی به شمار می‌رود. اتحاد، آگاهی و نفی کامل واسطه‌ها، رمز پیروزی نهایی است.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

از مبارزه کارگران پیمانی و شرکتی برای لغو کار پیمانی حمایت کنیم!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!



حوادث کار بخش دوم

تحلیل روند زمانی، حوادث کار

بهر روز فدایی



در ایران آمار منسجم و سالانه‌ای که همه نهادها منتشر کنند وجود ندارد، تنها اعدادی را که در منابع رسمی یا گزارش‌های معتبر منتشر شده‌اند، در قالب یکسری زمانی واقعی کنار هم قرار می‌دهم.

روند زمانی «مرگ ناشی از حوادث کار در ایران» بر اساس آمارهای رسمی منتشرشده

منبع اصلی: پزشکی قانونی + گزارش‌های رسمی منتشرشده در سال‌های مختلف
(آمار ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ قابل استخراج است؛ آمار ۱۴۰۴ هنوز منتشر نشده)

منبع	تعداد فوت‌شدگان	سال
پزشکی قانونی	حدود ۱,۶۷۰ نفر	۱۳۹۹
پزشکی قانونی	حدود ۱,۸۰۰ نفر	۱۴۰۰
پزشکی قانونی	حدود ۲,۰۰۰ نفر	۱۴۰۱
پزشکی قانونی (روند افزایشی)	حدود ۲,۱۵۰ نفر	۱۴۰۲
منبع: گزارش منتشرشده توسط هرانا به نقل از پزشکی قانونی	۱,۹۸۶ نفر	۱۴۰۳
—	هنوز گزارش رسمی منتشر نشده	۱۴۰۴

تعداد فوت‌شدگان حوادث کار در ایران (سالانه)



منابع

اعداد سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ از گزارش‌های سالانه پزشکی قانونی استخراج شده‌اند (پراکنده، اما رسمی).

عدد سال ۱۴۰۳ از گزارش پزشکی قانونی منتشرشده در گزارش هرانا است.

نمودار روند

در این نمودار، فقط از اعداد رسمی و منتشرشده استفاده شده است:

تحلیل روند

افزایش پایدار از ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲

روند مرگ‌ومیر ناشی از کار طی ۴ سال متوالی صعودی بوده:

سال ۱۳۹۹: حدود ۱۶۷۰

سال ۱۴۰۲: حدود ۲۱۵۰

یعنی افزایش حدود ۳۰ درصدی در چهار سال.

کاهش نسبی در سال ۱۴۰۳

سال ۱۴۰۳ با ۹۸۶,۱ فوتی نسبت به ۱۴۰۲ کمی کاهش دارد (حدود ۸٪ کمتر). این کاهش می‌تواند ناشی از:

تغییر شیوه ثبت

نوسان‌های سالانه

یا کاهش واقعی حوادث در برخی بخش‌ها باشد، ولی بدون داده تفصیلی نمی‌توان نتیجه قطعی گرفت.

حوادث شایع‌تر

طبق آمار پزشکی قانونی در سال ۱۴۰۳:

سقوط از بلندی: ۴۲ درصد فوتی‌ها را در بر می‌گیرد

اصابت جسم سخت: ۲۰ درصد

برق‌گرفتگی: ۱۴ درصد

سوختگی، کمبود اکسیژن و سایر عوامل بقیه موارد را تشکیل می‌دهند.

تفاوت جدی بین آمار ثبت‌شده و واقعیت احتمالی



در حالی که آمار پزشکی قانونی نشان می‌دهد حدود ۲ هزار نفر سالانه فوت می‌کنند، معاون وزارت بهداشت عدد ۱۰ هزار فوتی سالانه را اعلام کرده است (به شدت بالاتر). این اختلاف یعنی:

کارگران بدون بیمه

حوادث ثبت نشده

پنهان سازی آمار در برخی موارد
همچنان وجود دارد.

جمع بندی روند زمانی

طی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲، روند صعودی و نگران کننده بوده است.

سال ۱۴۰۳ یک کاهش نسبی دیده می‌شود.

ماهیت داده ها نشان می‌دهد روند واقعی احتمالاً از آنچه ثبت می‌شود بدتر است.

آمار ۱۴۰۴ هنوز منتشر نشده، اما با توجه به روند، احتمالاً در محدوده حدود ۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ فوتی خواهد بود مگر اینکه سیاست های ایمنی تغییر کرده باشد.

به یاد یک فعال سندیکایی و چپ اتحاد گرا که دیگر در میان ما نیست

صادق



محسن سجادی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران خیاط بود. بیشتر اعضای سندیکا در آن موقع کارگرانی بودند که در کارگاه های خیاطی کار می کردند و اکثرشان نه تحت پوشش قانون کار بودند و نه حتی تا سال ۵۷ که انقلاب شد تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشتند.

مرکز این سندیکای قدیمی در طبقه دوم یک پاساژ در خیابان لاله زار تهران بود. البته دفتر و محل جلسات سندیکای قدیمی دیگر مانند، سندیکاهای بافنده سوزنی، کفاش، قناد نیز در همان محل بود.



از همان هفته های اول بعد از انقلاب، این سندیکاها وقتی جلسه داشتند مورد حملات دستجات چماقدار قرار می گرفتند. جوری که آدم احساس می کرد که آنها از مدتها قبل برای حمله به سندیکاها سازماندهی شده بودند. با چوب و چماق می آمدند، می زدند و بعد از برهم زدن جلسه می رفتند و گاهی هم که از آنها شکایت می شد مسئولین شاکیان را به تمسخر می گرفتند. یک روز هم سر راه محسن ظاهر شدند و حسابی کتکش زدند و تهدیدش کردند.

در آستانه انقلاب ۵۷ همه ی این سندیکاها و سایر سندیکاهای صنوف که یا عملاً به دلیل سرکوب تعطیل یا غیر فعال شده بودند مجامع عمومی تشکیل داده بودند و فعالیتهای خود را از سر گرفته و گسترش داده بودند.

اکثر رهبران و خیلی از اعضای سندیکاها بعد از کشتار ۱۷ شهریور در اعتراضات شرکت داشتند و یکی از اعضای سندیکای بافنده نیز در جریان اعتراضات کشته شده بود. محسن سجادی نیز در مجمع عمومی کارگران خیاط انتخاب شده بود. او جوانی محبوب و از یک خانواده خراسانی بود که از کودکی کار در کارگاه های خیاطی را شروع کرده بود و به استاد کاری مسلط و خوش سلیقه در حرفه خیاطی زنانه دوز تبدیل شده بود. بهمین جهت کمتر نگران عواقب فعالیت سندیکایی بود چون بخاطر طراحی های مشتری پسندش از سوی کارفرماها تحمل می شد.

محسن در میان کارگران خیاط بزرگ شده بود و نزد آنان از قبل هم محبوب بود و هم نفوذ معنوی داشت و ضمناً بخاطر سالها کار در میان کارگرانی که بقول خودش در میان شان زیسته بود با مشکلاتشان آشنایی داشت.

او دو سال قبل از انقلاب توسط یکی از محافل مائویستی سمپات سازمان توفان وارد فعالیتهای سیاسی محفلی و مخفی شده بود، اما مدت کوتاهی بعد سمپات چریکهای فدایی خلق شده و بعد از انشعاب در میان چریکها به اکثریت ملحق شده بود. بعد از ضربات سالهای ۶۲ به بعد به این سازمان قبل از اینکه به زندان بیفتد، از سازمان کناره گیری کرده بود و با هیچ جریان سیاسی دیگری نپیوسته بود. محسن متأسفانه مدت کمی بعد از آنکه از زندان آزاد شد جان سپرد.

او در مسائل صنفی و سندیکایی و سازماندهی بسیار کارآمد و توانا بود و در ارتباط با برقراری همکاری میان سندیکاها و تعدادی از شوراها های کارگری نقش داشت و نماینده سندیکای خیاط در این تشکل رو به رشد بود که ده ها سندیکا و شورا را توانسته بود گرد هم بیاورد و فعالیت هایشان را با هم هماهنگ کند.

فعالیت سندیکاهای مستقر در لاله زار بواسطه حضور سندیکالیست های با سابقه و پر تجربه ای مانند سمنانی و یعقوبی و دیگران بسیار سازمان یافته، موثر و پر ثمر بود. سندیکاها حتی یک نشریه بنام اول ماه مه داشتند که مسئول آن یک زن جوان بافنده بود. پس از حمله به مرکز سندیکایی لاله زار و بازداشت عده ای نشریه را نیز تعطیل کردند. تشکیل تعاونی مصرف و مسکن، کمیته ورشی از خدمات رفاهی سندیکاها به کارگران بود. یکی دیگر از اقدامات آنها بیمه کردن کارگران بود که رضایت هزارن کارگر را فراهم کرده بود. بعد از سرکوب سندیکاها و احزاب و سازمانهای کارگری تعاونیها مورد یورش عوامل خانه کارگر قرار گرفتند و بعد از مدت کوتاهی از حرکت بازماندند.

آدم وقتی که این همه تفرقه و پراکندگی را در میان احزاب و سازمانهای چپ مشاهده می کند، براستی نمی تواند غبطه همکاری و اتحادی را که میان سندیکاها و شوراها در آن هنگام وجود داشت نخورد.



امروزه که وضعیت معیشتی و زیستی اکثریت مردم بویژه مزد و حقوق بگیران فاجعه بار است و به هیچ روی با وضعیت آن هنگام قابل قیاس نیست با اینکه می بینیم همه از نبود اتحاد و همبستگی گله و شکایت می کنند، ولی در عمل می بینیم ما چپ ها از همیشه پراکنده تر هستیم و بجای اینکه کوشش در جهت اتحاد و تقویت تشکلهای متعدد موجود کنیم، مرتب مشغول تشکیل نهادهای غیر لازم و غیر اثر گذار هستیم

تا کارگران آثار اتحاد و همکاری را در میان ما مشاهده نکنند، دعوت ما به اتحاد را که از شروط اساسی تغییر اساسی است نخواهند پذیرفت. ما اگر کارگران را دعوت به اتحاد و همبستگی می کنیم، درست نیست خودمان متفرق و پراکنده بمانیم. این پراکندگی ها هر دلیلی که داشته باشد حداقل در ابعاد کنونی توجیه پذیر نیست. امیدوارم تشکلهای مستقل و فعالین سیاسی چپ خود را از این بیماری مهلک برکنار نگه دارند.

= همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از اعتراض کارگران پیمانکاری پارس جنوبی



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، با افتخار و احساس مسئولیت طبق وظیفه ی طبقاتی و صنفی خود، از تجمع اعتراضی بیش از پنج هزار نفر از کارگران زحمتکش و شریف پیمانکاری پارس جنوبی که در روز سه شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۴ در عسلویه برگزار شد، قاطعانه حمایت می کند.

این تجمع که با شعارهایی روشن و مطالباتی کاملاً مشروع و انسانی همراه بود، نماد روشنی از آگاهی، همبستگی و اراده ی راسخ طبقه ی کارگر ایران برای دستیابی به حقوق پایمال شده ی خود است. کارگرانی که با دستمزدهای ناچیز، شرایط سخت کاری، بی ثباتی شغلی و بی عدالتی مزمن در نظام پرداخت مواجه اند، امروز صدای خود را به گوش جامعه رساندند.

مطالباتی چون:

-اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و همسان سازی دستمزدها

-اجرای طرح اقماری برای نیروهای اداری و پشتیبانی

-تعیین تکلیف وضعیت رانندگان خودروهای استیجاری



-رعایت قانون کار و عرف کارگاهی برای نیروهای ایمنی و پشتیبانی

-پرداخت حق کمپ و تأمین ایاب و ذهاب هوایی

همگی خواسته‌هایی بدیهی و قانونی‌اند که سال‌هاست از سوی کارگران مطالبه شده اما بی‌پاسخ مانده‌اند.

ما کارگران شرکت واحد، خود طعم تلخ بی‌عدالتی، سرکوب، اخراج، زندان و بی‌توجهی به خواسته‌های صنفی را چشیده‌ایم و به‌خوبی می‌دانیم که تنها راه رسیدن به حقوق انسانی، اتحاد، همبستگی، ایستادگی جمعی و تشکل مستقل کارگری است.

از این‌رو، ضمن اعلام همبستگی کامل با کارگران پارس جنوبی، خواستار پاسخ‌گویی فوری مسئولان به مطالبات آنان و پایان دادن به سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه کارگران پیمانکاری هستیم.

زنده باد همبستگی کارگران

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۸ آذر ۱۴۰۴



برگزاری تظاهرات سراسری بازنشستگان

تظاهرات سراسری و هفتگی بازنشستگان تأمین اجتماعی دیروز ۲۲ آذر در شهرهای مختلف برگزار شد. بازنشستگان به تنگ آمده از تورم و گرانی بخصوص گرانی شدید و روز افزون مواد خوراکی و دارو، در هنگام اعتراضات روز گذشته خود بر ادامه اعتراضات خود برای افزایش واقعی حقوق بازنشستگی و درمان رایگان، پرداخت منظم حقوق و معوقات متناسب سازی، تاکید نموده و در چند شهر خواهان آزادی کارگران و معلمان زندانی شدند.

فقط کف خیابون به دست میاد حقمون، می جنگیم، می میریم، حقمون را می گیریم، قانون بی خاصیت نمی خواهیم نمی خواهیم، مرگ بر بندگی زنده باد زندگی، از شعارهای تظاهرات روز گذشته بود.



به رغم تشدید استبداد و اختناق و سرکوب وحشیانه فعالین سیاسی و مدنی، مقاومت و همبستگی ادامه دارد.

گزارش را ببینید:

دیدار جمعی از کنشگران سیاسی و اجتماعی در روز ۲۰ آذر با خانواده معلم و زندانی سیاسی قدیمی با، «هاشم خواستار»



قردانی از فرزانه زیلابی؛ وکیلی در خط مقدم دفاع از حقوق معلمان

دیدار جمعی از معلمان و فعالان کارگری، همراه با سیامک_صادقی_چهرازی و علی_کروشات، با فرزانه زیلابی به منظور قردانی از قبول وکالت‌شان برگزار شد؛ این وکالت که به‌تازگی با تلاش‌ها و پیگیری‌های این وکیل شریف، منجر به صدور حکم برائت برای معلمان تحت وکالت ایشان شد.

در این دیدار، معلمان و فعالان کارگری از شجاعت و تعهد حرفه‌ای این وکیل شریف در حمایت از همکارانشان با احترام یاد کردند و از مسئولیت و تبحر حقوقی او تجلیل نمودند.



حمایت ۴ تشکل مستقل کارگری از اعتراض کارگران پیمانی نفت

از متن بیانیه مشترک:

۱۸ آذر که پنج هزار کارگر روبروی فرمانداری عسلویه تجمع اعتراضی بر پا کردند و ۱۹ آذر که بیش از هزار کارگر ارکان ثالث در تهران روبروی مجلس تجمع کردند، روز نمایش استمرار اتحاد و مبارزه کارگرانی بود که



منشور مبارزات خود را بر پایه خواست هایی قرار داده اند که اکثریت کارگران را پیرامون آن خواست ها متحد ساخته است. این خواست ها عبارتند از :

♦ اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و نظام همسان سازی دستمزد

♦ اجرای طرح اقماری دو به دو نیروهای اداری و پشتیبانی

♦ تعیین تکلیف رانندگان خودروهای استیجاری

♦ ساماندهی وضعیت نیروهای پشتیبان ایمنی و رعایت قانون کار و شرایط عرف کارگاهی

♦ پرداخت حق کمپ

♦ تأمین ایاب و ذهاب هوایی برای کارگران پیمانکاری

مبارزه کارگران در منطقه پارس جنوبی بخش جدایی ناپذیر از حلقه بزرگ جنبش کارگری است .
ما تشکل های کارگری و بازنشستگان از اعتراضات و خواست های کارگران پارس جنوبی حمایت می نمایم
و در این عرصه پشتیبان و متحد این کارگران هستیم.

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد
حمایت کنیم!**

**از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت
حمایت کنیم!**

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس
زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>